



۱۴

## به نوزاد شیر مادر دهید حتی با کرونا



۱۵

## باتری وسایل نقلیه برقی چالش آینده محیط زیست



# زندگی

یکشنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۰ شماره ۵۹۹۹



۱۶

## امضای تفاهم نامه برای احیای سینماها و مراکز نمایشی خیابان لاله زار

### آرامش با نوای آسمانی

🌱 قد و قواره اش کوچک است، ریش هایش تنک و خلوت روی چانه نشسته، تازه ۱۸ سالش شده است. اینها اما تمام ویژگی های، عباس نوری نیست، یک عینک آفتابی سیاه زده به چشم هایش. چشم هایی که نوری ندارد و درست شبیه به عینک آفتابی اش، تیره تیره است. داستان عباس چند لحظه بعد از تولدش شروع شد. از زمانی که در یکی از بیمارستان های شهر شیراز، چشمش به دنیا باز شد. عباس اما با یک مشکل بزرگ به دنیا آمد، همان زمان که تازه پایش به دنیا باز شده بود، اکسیژن خونش افت کرد. همین شده که پرستاران و پزشکان برای کمک به او، سریع اقدام کردند و او را به اتاق اکسیژن رساندند. اکسیژن اما زیادی به مغز او رسید و همین آفت چشم هایش شد و روشنایی را از چشم هایش گرفت و نابینایی، سرگذشتش شد.

والدینش او را به یکی از مراکز مخصوص نابینایان فرستادند. در همین مرکز هم همه به استعداد او پی بردند. درست در زمان هایی که او مشغول بازی بود یک صدای جادویی می شنید. صداهایی که او را به دنیای دیگری می برد. درست در اتاق همجوار با اتاق بازی عباس، کلاس موسیقی برگزار می شد و عباس هم صدای خوش نواختن رامی شنید. اومی گوید: «با شنیدن صدای موسیقی، حس عجیبی به من دست می داد. انگار که در این دنیا نبودم و در مکان دیگری زندگی می کردم».

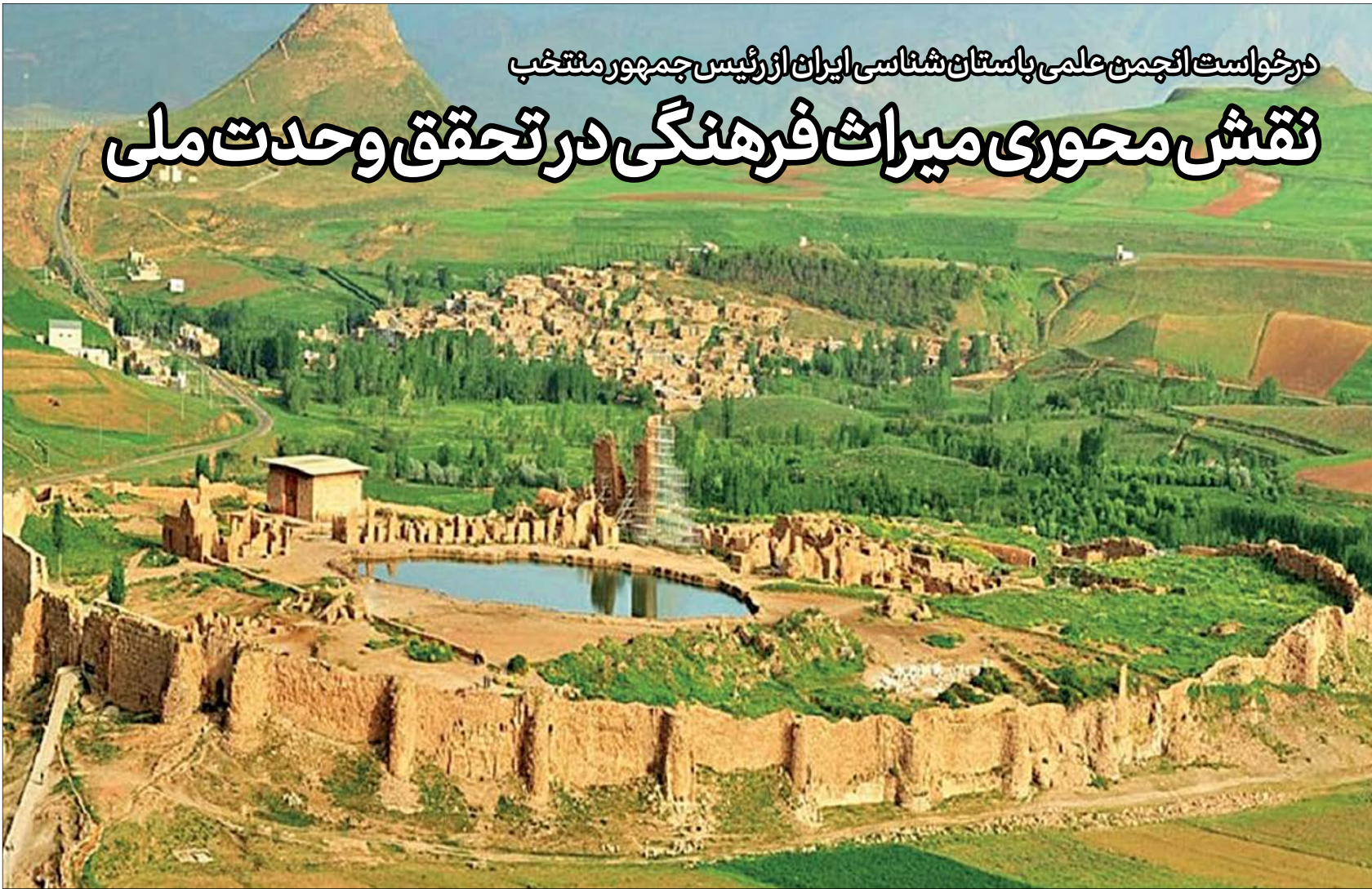
آن اوایل تمام دلخوشی عباس به شنیدن صدای خوش ارگ ختم می شد اما بعد میل به یادگیری در او جوانه زد. او می گوید که یک روز خیلی اتفاقی تصمیم گرفت از اتاق بازی به اتاق موسیقی برود و از مربی موسیقی بپرسد که می تواند ساز بزند یا نه؟ و مربی موسیقی هم به او اجازه داد. بعد اما اتفاق عجیبی افتاد، او که آموزش ندیده و نت خوانی بلد نبود توانست ساز بزند. مربی اش از استعداد او تعجب می کند و از پدرش می خواهد برای او ارگ بخرد.



ماجرای عباس اما به نواختن ارگ ختم نمی شود. عطش او برای نواختن آلات موسیقی، هر روز بیشتر می شود. یک روز با ارگ، چند هفته بعد با نواختن سه تار و تار و بعد از آن با نواختن کمانچه. عشق عباس به موسیقی به اینجا ختم نمی شود، دانش و شوق موسیقی، او را به موسیقی الهی، به قرانت قرآن کریم می کشاند. او در قرانت قرآن مجید هم خوب درخشیده است، مقام اول استانی در مسابقات دانش آموزی شیراز و مقام دوم کشور در مسابقات بهزستی استان اصفهان، از عناوینی است که او در قرانت قرآن به دست آورده است؛ موسیقی الهی که حالا به گفته عباس این روزها با آن آرام می شود. 🌱



مجموعه آثار ریخت سلیمان در نزدیکی روستایی به همین نام در شهرستان تکاب در استان آذربایجان غربی



درخواست انجمن علمی باستان شناسی ایران از رئیس جمهور منتخب

## نقش محوری میراث فرهنگی در تحقق وحدت ملی

### 🌱 زندگی با ویلچر هم ادامه دارد

کاظم می گوید بعد از این که به خودش آمد، دوره افتاد و از انجمن ها و گروه های فعال در حوزه توان یاب ها خواست تا از تخصصش استفاده کنند. یکی دو سالی زمان برد تا او در انجمن قطع نخاع ایران، شروع به کار کند. جایی که مخصوص بیمارانی است که به هر دلیلی، قطع نخاع شده اند. این مرکز به آنها مشاوره می دهد و در کارهای درمانی و خدماتی نیز کمکشان می کند. در روزهای اول، او از تجربیاتش به مددکاران می گوید. یک گوشه از ذهن البرزکوه اما درگیر تخصص اش بود. او دید مهندسی اش را به کار می گیرد و به این فکر می کند که زندگی توان یاب ها تا چه حد می تواند راحت تر شود. مشکل یابی از توان یاب ها در همین دوران شروع می شود؛ فکر کردن به این که چقدر ساختمان های شهری، میلمان شهری، حمل و نقل عمومی، اتوبوس ها و پیاده روها برای استفاده توان یاب ها مناسب است.

### 🌱 حمل و نقل مخصوص

تعدادشان زیاد شده است. ون یا اتوبوس ها را می گویم که تصویر آبی رنگ فردی که روی صندلی چرخ دار نشسته رویشان نقش بسته است. حمل و نقلی عمومی که مخصوص جانبازان و توان یاب های طراحی و ساخته شده است. یکی از اولین مهندسی های البرزکوه که در سطح شهرداری می شود، خدماتی است که از طرف سازمان بهزیستی به توان یاب ها ارائه می شود. حالا هر توان یابی که با ویلچر تردد می کند و تا پیش از این نمی توانست سوار مترو یا اتوبوس شود، با وجود پله های شیب دار و بالابرهای برقی، می تواند در اتوبوس بنشیند و با همین اتوبوس ها و ون ها به محلی که می خواهد برود. این تنها طراحی البرزکوه نیست. او به طور خاص به ساختمان سازی و موضوع مناسب سازی ساختمان ها برای توان یاب ها توجه داشته است. او می گوید برای اولین بار، پرسشنامه هایی تهیه کرد تا ببیند مشکلات توان یاب ها در حوزه شهری چیست. پرسشنامه ای که به حرف دل توان یاب ها توجه دارد. با همین پرسشنامه ها او طراحی های اولیه خود را انجام می دهد. طراحی بالابرهای مخصوص توان یاب ها از کارهایی است که او در حوزه ساختمان سازی انجام داده است. یکی از کارهایی که او این روزها انجام می دهد، پیگیری پروژه هایی است که برای مناسب سازی میلمان شهری و پارک ها مطرح می شود. کاظم می گوید: «یکی از نکاتی که برای من مهم است و همیشه درباره آن مشاوره می دهم، شیب پیاده روها و استاندارد سازی میلمان شهری است.» مساله ای که به نظر او بزرگ ترین مشکل توان یاب ها در سطح شهر است. 🌱



شرایط به شکل دیگری تغییر کرد. پزشکان در معاینات اولیه متوجه شدند مهندس داستان ما مشکل تنفسی دارد و نمی تواند نفس بکشد، به همین دلیل سریع او را به بخش آی سی یو منتقل کردند تا مشکل تنفسی اش برطرف شود. چند روزی زمان می برد تا او را تحت عمل جراحی قرار دهند. آن زمان او هنوز نمی دانست صندلی چرخ دار، رفیق همیشگی اش خواهد شد.

چند ماه بعد زمانی که تحت ورزش های کاردمانی بوده است، کاردمانگر به همسرش می گوید سرگدشتش، با صندلی ویلچر گره خورده است. به این ترتیب ناامیدی اولین واکنش البرزکوه می شود. درست مانند خیلی های دیگر، افسردگی و ناامیدی سراغش می آید. او ولی خیلی زود خود را جمع و جور می کند. برای کاظم که تا قبل از تصادفش، خیلی هم فعال بود نشستن روی ویلچر نمی توانست حکم محدودیت داشته باشد.

## گفت وگو با توان یابی که این روزها برای بهتر شدن شرایط افراد دارای معلولیت تلاش می کند

## دنیایی که عوض شد

🌱 مهدی شادمانی، خبرنگار ورزشی که حدود دو سال پیش، به دلیل ابتلا به سرطان از میانمان رفت، همیشه می گفت: «سرطان نجاتم داد... شکر خدا که سرطان دارم.» او دلیل این شکرگذاری اش را نزدیکی به خدای دانست و معتقد بود خدا به او لطف داشته که سرطان گرفته است. درست شبیه این جمله را کاظم البرزکوه به زبان می آورد. شخصی که در حادثه ای دچار ضایعه نخاعی شده است. او می گوید: «خدا را شکر می کنم که ضایعه نخاعی دارم.» برای این حرفش هم دلیل دارد. این که با ضایعه نخاعی که برایش به وجود آمده، توانسته یادنیای دیگری آشنا شود؛ با دنیای توان یاب هایی که حالا با کمک البرزکوه و کارهایی که او برای آنها کرده است، می توانند در جامعه راحت تر فعالیت و رفت وآمد کنند.



لیلا شوقی

جامعه

تا ۱۶ سال پیش کاظم البرزکوه که این روزها ۶۷ سال از عمرش می گذرد، یک زندگی ساده و معمولی داشت. درست مانند خیلی از مردم، روی هر دو پا راه می رفت و کار خوبی هم در شهرداری تهران داشت. او لیسانس اقتصادش را در ایران گرفت اما سال ۱۳۵۵، قیل از انقلاب، برای ادامه تحصیل در رشته مدیریت به آمریکا سفر کرد. هرچند او برای ادامه تحصیل در این رشته به آمریکا سفر کرده بود، اما تغییر رشته داد و در رشته مهندسی راه و ساختمان لیسانس گرفت و حدود ۱۵ سال را در آمریکا زندگی کرد و بعد، به ایران برگشت.

البرزکوه در ایران ازدواج کرد و صاحب دو پسر شد. همه چیز خیلی خوب پیش می رفت اما زندگی برای او خواب دیگری دیده بود. خوابی که شاید در نگاه اول خوشایند کاظم نبود.

### 🌱 تصادف در مسیر زندگی

کاظم آن روز را به خوبی به یاد دارد. ۱۶ سال پیش بود. یک روز بهاری، مانند خیلی از روزهای دیگر، او و اعضای خانواده به همراه دوستانشان تصمیم گرفتند برای تفریح به خارج از شهر بروند. اتفاقی که در نهایت به سفر به کردان ختم شد.

به این ترتیب البرزکوه همراه همسر و دو پسرش راهی کردان شدند. اما جاده دوطرفه کرج - کردان زندگی آنها را دستخوش تغییر کرد. البرزکوه مشغول رانندگی بود که ناگهان متوجه شد خودرویی که مخالف جهت آنها رانندگی می کند برای سبقت گرفتن وارد لاین آنها شده است. کاظم می گوید نمی خواست با خودرویی که از جلو می آمد، تصادف کند، بنابراین تغییر مسیر داد، اما جاده نه شانه خاکی داشت و نه گاردریل. او همه صحنه ها را به یاد دارد. خودروی آنها وارد شیب



### 🌱 #کودکان-کار

زندگی از تهران:

بسیاری از کودکان کار جلوی در سوپرمارکت ها ایستاده اند و از عابران درخواست می کنند برای آنها خوراکی بخرند و بعد دوباره آن خوراکی را به فروشنده سوپرمارکت می فروشند. چرا بهزیستی یا پلیس وارد عمل نمی شود؟



### 🌱 #پارک-خودرو

حسینی از تهران:

در کوچه های محله میرداماد، پر از خودروهایی است که در کنار خیابان پارک کرده اند. برخی رانندگان اما پا را فراتر گذاشته و حتی در پیاده روها هم پارک کرده اند. پارک خودرو در پیاده رو و نیز روی خطکشی عابران غیرقانونی است؛ اما بسیاری از رانندگان این کار را انجام می دهند.



### 🌱 #مترو-میرداماد

صفایی از تهران:

در ورودی متروی میرداماد پر از رانندگان تاکسی زیادی درست جلوی در ورودی و خروجی ایستاده اند و اجازه عبور مسافران را نمی دهند. در شرایطی که ویروس کرونا هم شایع است، چرا رانندگان تاکسی باعث ازدحام و شلوغی می شوند؟



### 🌱 #متکدی-مترو

آسرای از تهران:

متکدیان زیادی در واگن های مترو تهران راه می روند و از مسافران درخواست پول می کنند. وجود متکدیان در مترو باعث زشت شدن چهره مترو می شود. چرا ماموران مترو جلوی آنها را نمی گیرند؟



### 🌱 #آب-خوزستان

خیاط از شوشتر:

پیش از نیمی از زمین های کشاورزی که در شوشتر قرار دارد، به دلیل بی آبی خشک شده است؛ بی آبی ضرر مالی زیادی را به کشاورزان این منطقه وارد کرده است؛ کشاورزانی که هیچ منبع درآمدی ندارند.



### 🌱 #کرونا-محدودیت

محمدی از شیراز:

هنگام اعمال محدودیت های جدید، رستوران ها و باشگاه های ورزشی باید تعطیل باشند، ولی همه این مشاغل باز هستند. با بی توجهی مسئولان به اعمال محدودیت ها باید منتظر موج های بعدی کرونا باشیم.



### 🌱 #بیمارستان-خصوصی

افراز از تهران:

به دلیل ابتلا به بیماری کرونا مجبور به مراجعه به بیمارستان و تزریق رم دیسیور شدم. در هر بیمارستانی، دولتی و خصوصی، هزینه متفاوتی برای تزریق دریافت کردند؛ برخی برای دارو یک میلیون و بعضی دیگر دو میلیون تومان دریافت کردند. برای تزریق نیز از ۵۰۰ هزار تومان تا دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پرداخت. چرا نظارتی بر ارائه این خدمات در بیمارستان ها وجود ندارد؟